

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک تر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱





هبانی تحلیل  
سیاست‌های کلان پیشنهادی  
برای  
**لایحه برنامه پنجم**

---

حسینیه اندیشه

گروه پژوهش‌های تطبیقی - گروه مدل برنامه

---

بهمن‌ماه ۱۳۸۶

## حسینیه اندیشه

- 
- سرپرست پژوهش ❖ حجة الاسلام والمسلمین صدوق
  - پژوهشگران ❖ حجة الاسلام موسوی موشح (سرپرست محتوا)  
برادر علی رضا انجم شعاع (کارشناس محتوا)
  - حجة الاسلام احمد زیبایی نژاد (سرپرست برنامه)
  - حجة الاسلام روح الله صدوق (سرپرست سازمان)
  - کارشناسان ❖ برادر محمدصادق حیدری
  - سرکار خانم ع . کشتکاران
  - مهندس حامد یزدانی
  - تاریخ تنظیم ❖ بهمن ۱۳۸۶
  - صفحه آرایی ❖ نشر سمیم
  - تاریخ نشر ❖ بهمن ۱۳۸۶
  - گروه علمی ❖ گروه پژوهش های تطبیقی - گروه مدل برنامه
-

## فهرست

### مقدمه ۹/

۱. بیان سه رویکرد «مولویت، مشارکت، حادثه‌سازی» در جریان تصمیمات ... ۱۱
  - ۱/۱. کیفیت جریان تصمیمات در نظام مولویت تحت عنوان «سلطنت» ... ۱۱
  - ۱/۲. کیفیت حضور ادبیات تخصصی در جریان تصمیمات پس از رنسانس تحت عنوان «مشارکت» ..... ۱۲
  - ۱/۳. کیفیت انفعال امت‌ها در برابر تمدن غرب در جریان تصمیمات تحت عنوان «حادثه‌سازی» ..... ۱۲
۲. وضعیت گذشته و حال جریان تصمیمات در کشور ایران ..... ۱۵
  - ۲/۱. تحول کیفیت جریان تصمیمات در کشور ایران از «مولویت» به «مشارکت» با تشکیل سازمان برنامه ..... ۱۵
  - ۲/۲. محوریت اقتصاد در برنامه‌ریزی کل کشور از آغاز پیدایش سازمان برنامه ..... ۱۵
  - ۲/۳. تعیین جایگاه مدیریت کشور در منزلت «مشارکت» به عنوان یک کشور در حال توسعه ..... ۱۶
۳. موانع موجود بر سر راه سازمان برنامه برای جریان تصمیمات در مسیر تمدن غرب ..... ۱۷
  - ۳/۱. مفید شدن جریان تصمیمات در کشور به اسلام و اصل ولایت فقیه پس از پیروزی انقلاب ..... ۱۷
  - ۳/۲. ناشناخته بودن انقلاب و انگیزه‌های انقلابی مردم در علم برنامه‌ریزی موجود ..... ۱۸

- ۳/۳. مقید شدن علم برنامه‌ریزی در کشور در سه مرحله به ① اصل ولایت فقیه، ② مجمع تشخیص مصلحت نظام و ③ سند چشم‌انداز ۱۹
۴. دستاوردهای دفتر فرهنگستان علوم اسلامی در هدایت علمی منطق برنامه‌ریزی در راستای تکامل نظام ..... ۲۱
- ۴/۱. کیفیت پیدایش تئوری ارتباط «حجیت»، «معادله» و «مدل» به عنوان ابزاری برای ایجاد رابطه منطقی میان معرفت دینی و علم برنامه‌ریزی. ۲۱
- ۴/۲. کیفیت پیدایش جدول «الگوی تنظیم برنامه» به عنوان ابزاری برای تولید «چشم‌انداز»، «سیاست‌های کلان» و «برنامه» برای نظام ..... ۲۲
- ۴/۳. کیفیت تولید تطبیقی - تخمینی سیاست‌های کلان حاکم بر لایحه برنامه پنجم توسعه بر اساس مبانی نظری تولید شده در دفتر ..... ۲۳

#### ۱. «ادامه تولید» به عنوان دستور کار فعلی دفتر فرهنگستان

##### در مسیر انقلاب فرهنگی ۲۵/

- ۱/۱. ترسیم مسیر تحقق انقلاب فرهنگی در سه مرحله «کار فردی»، «کار گروهی»، «کار سازمانی» ..... ۲۷
- ۱/۲. تطبیق مراحل انقلاب فرهنگی به سه سطح «تولید نظام علوم، تولید ساختار علوم و تولید محصولات علوم» ..... ۲۹

#### ۲. کیفیت تولید «سیاست‌های کلان پیشنهادی حاکم بر برنامه پنجم»

##### به عنوان واسطه علم و اجرا/۳۱

- ۲/۱. عدم پذیرش روش علمی دفتر برای حضور در عرصه اجرا، علت پیدایش تولید تخمینی سیاست‌های کلان ..... ۳۳
- ۲/۲. توجه به تعارض دو فرهنگ حاکم بر جامعه (ادبیات حوزه و ادبیات دانشگاه) به عنوان چالش اصلی در تنظیم سیاست‌های کلان ..... ۳۵
- ۲/۲/۱. مدل‌مند بودن فرهنگ غرب در مقابل انتزاعی بودن فرهنگ حوزه و فرهنگ انقلاب، علت تفوق فرهنگ غرب در عینیت ..... ۳۶
- ۲/۲/۲. تحلیل مدل غربی اداره جامعه و تطبیق آن با رفتار عملی انقلاب اسلامی در ۲۷ سال گذشته ..... ۳۷

۲۷	محور قرار گرفتن تولید به عنوان قطب توسعه در استراتژی
۳۸	سال گذشته انقلاب.....
۲۲/۲/۲	آثار سوء محور شدن تولید به عنوان قطب توسعه با توجه به
۳۸	تبعات آن در بخش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی.....
۲۲/۲/۳	ناکارآمدی استراتژی تولیدمحور در توسعه کشور به دلیل تأثیر
۳۹	شعار عدالت در تعمیم الگوی مصرف رفاه محور.....
۲۲/۲/۴	محور شدن توزیع به جای تولید، در عینیت، به عنوان قطب
۴۱	توسعه از دوران طاغوت تا زمان حال.....
۲۲/۲/۵	حاکم شدن «مبنای رفاه» بر الگوی مصرف نظام به معنای افزایش
۴۲	جهشی مصرف به دلیل پذیرش آن از سوی مسئولین نظام.....
۲۲/۲/۶	تفاوت الگوی توزیع رفاه در ادبیات توسعه با عملکرد نظام در
۴۳	محور بودن صنعت در توزیع رفاه و فاصله طبقاتی در غرب.....
۲۲/۲/۷	متغیر اصلی بودن «بودجه و راندمان» در ادبیات انقلاب در مقابل
۴۴	متغیر اصلی بودن «سرمایه‌گذاری و پس‌انداز» در ادبیات توسعه بر اساس
۴۴	مدل تری‌کپس، علت بروز پدیده تورم و گرانی.....
۲۳	ارائه چهار هدف برای چهار برنامه آتی بر محور تغییر بافت «صادرات و
۴۷	واردات» در جهت کنترل تورم و گرانی بر مبنای عدالت.....

### ۳. تبیین اهداف محوری بخشی سیاست‌های کلان پیشنهادی

۵۱	حاکم بر برنامه پنجم توسعه بر مبنای هدف تعیین شده برای این برنامه
۳/۱	تعیین استراتژی صنعت حول الگوی تکنیک‌های «بادوام، ساده و فراگیر» به
۵۵	عنوان گام اول در برنامه پنجم.....
۳/۲	تغییر نظام مدیریت از الگوی متمرکز به الگوی نیمه‌متمرکز در راستای
۵۷	تحقق استراتژی صنعتی.....
۳/۳	تغییر نگاه به مقدرات طبیعی نظام از نگاه اقتصادی به نگاه سیاسی به
۵۹	عنوان مقدرات استراتژیک.....
۳/۴	هدف‌گذاری نقشه جامع علمی کشور بر مبنای حدّ تعیین شده برای
۶۱	تکنولوژی به تبع استراتژی حاکم بر بخش اقتصاد.....

۳/۶. ارتقاء نظم اجتماعی متناسب با وجدان کاری از طریق ایجاد عزم ملی در بین نخبگان برای مطالعه در ارائه نسخه علمی آن.....	۶۳
۳/۷. تغییر جهت سیاست خارجی به ارتباط با کشورهای غیر متعهد به تبع عدم نیاز به ارتباط با کشورهای صنعتی، ناشی از تغییر استراتژی صنعتی.....	۶۵
۳/۸. تغییر شاخصه‌های طبقه‌بندی مناطق کشور (آمایش سرزمین) بر مبنای حضور سیاسی در انقلاب به جای محرومیت اقتصادی.....	۶۷
۳/۹. تأمین امنیت در مرزهای کشور بر اساس احکام الهی.....	۶۹
۳/۱۰. تغییر موضوع امنیت از امنیت سرمایه‌داری به امنیت فرهنگی حول عدالت محوری.....	۷۱

#### ۴. عناوین سیاست‌های کلان پیشنهادی حاکم بر برنامه پنجم توسعه

##### در راستای تحقق اهداف محوری بخشی/۷۳

۴/۱. اهداف محوری بخش اقتصاد.....	۷۵
۴/۲. اهداف محوری بخش مدیریت.....	۷۷
۴/۳. اهداف محوری بخش انرژی.....	۷۹
۴/۴. اهداف محوری بخش علم و فن‌آوری.....	۸۱
۴/۵. اهداف محوری بخش فرهنگ.....	۸۳
۴/۶. اهداف محوری بخش اجتماعی.....	۸۵
۴/۷. اهداف محوری بخش سیاست.....	۸۷
۴/۸. اهداف محوری بخش امنیتی و دفاعی.....	۸۹



مقدمه



## ۱. بیان سه رویکرد «مولویت، مشارکت، حادثه‌سازی» در جریان تصمیمات

### ۱/۱. کیفیت جریان تصمیمات در نظام مولویت تحت عنوان «سلطنت»

ورود به بیان کیفیت تولید فرآیند تخمینی - تطبیقی سیاست‌های پیشنهادی، به طرح مقدمه‌ای نیازمند است و آن اینکه در طول تاریخ حکومت‌ها سه نوع مدیریت، قابل مشاهده است:

۱. مولویت

۲. مشارکت

۳. حادثه‌سازی

در بدو پیدایش جوامع، حکومت‌ها دارای نظام سلطنتی بودند و فرمان‌بری و فرمان‌پذیری به شکل «مولویت» جاری می‌شد، به این معنا که ظرفیت فاعلیت‌های مادون و زیردستان، ظرفیت‌های کودکانه بوده و فرمان‌دهی و فرمان‌بری نسبت به آنها با ادبیات تخصصی انجام نمی‌گرفته است. اما در هر صورت فرمان، جاری می‌شد و یا از روی ترس (در حکومت‌های استکباری) و یا از روی محبت (در حکومت‌های الهی)

فرمان بری می‌کردند و سیر «تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و اجرا» در مرحله عمل جریان می‌یافت.

## ۱/۲. کیفیت حضور ادبیات تخصصی در جریان تصمیمات پس از رنسانس تحت عنوان «مشارکت»

بعد از رنسانس و با ظهور فلسفه دموکراسی، نحوه مدیریت به «مشارکت» تغییر پیدا کرد و حکومت‌ها، مشارکت فاعل‌های مادون را پذیرفته و به آن عمل کردند، همان‌طور که امروز در مدیریت‌های سازمانی و مدیریت‌های اجتماعی، مدیریت مشارکتی جریان دارد. در واقع حضور غرب در هماهنگ‌سازی دویست کشور دنیا امری نیست که در سده‌های گذشته وجود داشته باشد. امروز با وجود برخورداری تمامی کشورها از استقلال و تمامیت ارزی، جهان حول یک تمدن هماهنگ می‌شود و سازمان ملل از طریق مجمع عمومی، شوراها و بخش‌های مختلف بر جهان حکومت می‌کند. دیگر کشورها نیز هر یک به اندازه بضاعت ادبیات تخصصی خود در روابط سازمانی و اجتماعی این تمدن مشارکت می‌کنند. اخبار برگزاری انتخابات مختلف در کشورهای مختلف و حضور مردم در صحنه و رأی به نظامات، همگی دالّ بر این مطلب است که مدیریت مشارکتی، امر پذیرفته شده از سوی همه حکومت‌ها و دولت‌هاست.

## ۱/۳. کیفیت انفعال امت‌ها در برابر تمدن غرب در جریان تصمیمات تحت عنوان «حادثه‌سازی»

علاوه بر این، امروز در جهان، فراتر از مولویت و مشارکت و برای

کشورهای توسعه‌یافته، مدیریت از نوع حادثه‌سازی قابل طرح است، یعنی مدیریتی که بشر در برابر آن به تعجب و انفعال و انقطاع رسیده و به سجده و اداری شود و چاره‌ای جز تسلیم نبیند. در این نحوه مدیریت اگر چه تخصص حاکم است، ولی بشر از طریق تخصص، به انقطاع و انفعال رسیده و ایمان می‌آورد؛ همچنان که همه دنیا به تمدن غرب مومن هستند، لذت و رفاه آن را می‌چشند، به آن وابسته هستند و با لذت و انقطاع به دنبال این تمدن می‌روند و برای آن هزینه می‌کنند و البته این امر، در دستگاه الهی هم قابل تحقق است.



## ۲. وضعیت گذشته و حال جریان تصمیمات در کشور ایران

### ۲/۱. تحول کیفیت جریان تصمیمات در کشور ایران از «مولویت» به «مشارکت» با تشکیل سازمان برنامه

در ایران نیز همانند سایر کشورها، نحوه مدیریت بر اساس مولویت و دیکتاتوری و روابط شاه و رعیت بود. با پیدایش انقلاب مشروطه و تحول در نظام مدیریت، تصویب قانون اساسی، تشکیل سه قوه و برگزاری انتخابات و تأسیس مجلس، نظام تصمیم‌گیری کشور از شکل سلطنتی خارج شد و از آن زمان - یعنی در حدود هفتاد سال پیش - تاکنون، سازمان برنامه و بودجه تأسیس شد و متکفل تصمیم‌گیری علمی در کلیه رفتارهای اجتماعی، سازمانی، سیاست‌گذاری‌ها، قانون‌گذاری‌ها، تخصیص بودجه و... گردید.

### ۲/۲. محوریت اقتصاد در برنامه‌ریزی کل کشور از آغاز پیدایش سازمان برنامه

از آن‌جا که سازمان برنامه و بودجه، عهده‌دار برنامه‌ریزی امور در کشور است و از آن‌جا که موضوع کار این سازمان، ترکیبی از علم

«برنامه‌ریزی»، «جامعه‌شناسی» و «اقتصاد» است و اقتصاد به دلیل عهده‌داری تکامل مادی و معیشت مردم در میان بقیه علوم، چهره بارزتری پیدا می‌کند، متغیر اصلی در تدبیر امور و برنامه‌ریزی، اقتصاد بوده است؛ همان‌گونه که نظام سرمایه‌داری غربی، نظامی اقتصادمحور است.

از این رو دکتر حسین عظیمی در کتابی که تحت عنوان «مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران» به رشته تحریر درآورده، علم برنامه‌ریزی را به عنوان یک پتانسیل اجتماعی و نرم‌افزار مدیریتی دانسته و اعتقاد دارد همان‌طور که صنعت و علم و تکنولوژی فراگیر شده و گریزی از آن نیست، علم برنامه‌ریزی و نهاد برنامه و بودجه نیز یکی از نرم‌افزارهای مدیریتی و از دستاوردهای بزرگ تمدن رنسانس است که همراه با صنعت و محصولات، وارد گردونه نظام تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شده و ایران نیز از آن استقبال کرده است.

### ۲/۳. تعیین جایگاه مدیریت کشور در منزلت «مشارکت» به عنوان یک کشور در حال توسعه

ذکر همه این مقدمات برای بیان این نکته بود که نظام تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرایی که از طرف غرب بر دیگر کشورها صادر شده، در افق و در حلد «مشارکت» است و بر این اساس اگر کشوری، در زمره کشورهای توسعه‌یافته قرار گیرد، برنامه‌ریزی برای آن در سطح «مدیریت حادثه‌سازی» موضوعیت پیدا خواهد کرد. پس برنامه‌ریزی در کشورهایمانند ایران که جزو کشورهای توسعه‌یافته محسوب نمی‌شوند، در سطح مدیریت مشارکتی معنا پیدا می‌کند.



### ۳. موانع موجود بر سر راه سازمان برنامه برای جریان تصمیمات در مسیر تمدن غرب

#### ۳/۱. مقید شدن جریان تصمیمات در کشور به اسلام و اصل ولایت فقیه پس از پیروزی انقلاب

اما نکته دوم این‌که پس از ۱۵۰ سال مبارزات مشروطیت و در آستانه پیروزی انقلاب، حضرت امام خمینی (ره) حکومت جمهوری اسلامی را برای شکل‌گیری نظام تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرای امورات کشور پیشنهاد کردند و پس از تأسیس نظام، قانونی اساسی که با قوانین اساسی دیگر کشورها شباهت داشت، تدوین شد، اما با مقید شدن آن به اسلام و اصل ولایت فقیه، جهت و هویت این حکومت نوپا، معین و مستحکم شد. از این رو روشن است که تصمیمات بعد از انقلاب که قدرت مقاومت در برابر نظام استکباری را داراست، مربوط به رهبری‌های حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است؛ اما در ساختارهای نظام، هنگامی که همین منطبق برنامهریزی با سابقه هفتادساله وارد عمل شده و به دنبال تدبیر موضوعات تحت تکفل خود است، از چند جهت با موانعی مواجه می‌شود:

۱. هجمه سنگین از داخل و خارج بر ضد نظام در ابتدای انقلاب (فعالیت ضد انقلاب در داخل و تحمیل جنگ نابرابر از خارج و حاکمیت مدیریت بحران در کشور)

۲. خرابی‌ها، بدهکاری‌ها و خسارت‌های بعد از جنگ

۳. روزمرگی و رویارویی با نیازهای ضروری مردم

این عوامل و مانند آن موجب شد که سازمان برنامه و بودجه نتواند یک نظم پیش‌بینی شده‌ی علمی را بر کشور حاکم کرده و در ساماندهی امور موفق شود. حال اگر به این عوامل، مردمی بودن انقلاب ایران را هم اضافه کنیم، مسئله بسیار پیچیده‌تر می‌شود. انقلاب ایران در بیانی بسیار رسا، انقلاب بر ضد ساختارهای تمدن موجود بوده است و همین شاخصه باید در متن یک برنامه‌ریزی صحیح گنجانده شده و در رفتارشناسی مردم این مرز و بوم مدنظر قرار گیرد.

### ۳/۲. ناشناخته بودن انقلاب و انگیزه‌های انقلابی مردم در علم برنامه‌ریزی موجود

به نظر می‌رسد یکی از عواملی که باعث شده نهاد برنامه و بودجه در کشور ما نتواند بر اساس منطق علمی برنامه‌ریزی، طرح‌های پیش‌بینی شده خود را عملی سازد؛ عدم شناخت انقلاب و مردم و عدم تناسب منطق علمی متداول در مدیریت مشارکتی با ریشه‌ها و انگیزه‌های انقلاب و مردم انقلابی ایران است. به عبارت دیگر همان‌طور که علم اقتصاد نمی‌تواند رفتار اقتصادی این مردم را تحلیل کند، علم برنامه‌ریزی نیز قادر نیست بر کیفیت «تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرا» از منظر افکار انقلابیون و

رهبران و پرچمداران توحید آگاهی یابد. لذا سازمان برنامه و بودجه یا نهاد برنامه‌ریزی، بعد از گذشت سالیانی چند از انقلاب و سپری شدن دوران جنگ و سازندگی و پس از طی تنظیم چهار برنامه توسعه، هنوز موفق نشده از چالش‌های پیش رو عبور کرده و شکلی منسجم به خود بگیرد.

### ۳/۳. مقید شدن علم برنامه‌ریزی در کشور در سه مرحله به ① اصل ولایت فقیه، ② مجمع تشخیص مصلحت نظام و ③ سند چشم‌انداز

با ملاحظه عوامل فوق، این منطق برنامه‌ریزی در طی چند مرحله متحول و از چند منظر، به قیوداتی مقید شده است.

در اولین مرحله از منظر جهت حاکم بر نظام و ضد استکباری و ضد استبدادی بودن آن، به اصل ولایت فقیه در نظام تصمیم‌گیری کشور مقید می‌شود و سپس در جریان تصمیم‌گیری حقوقی در مجلس، به عدم مخالفت قطعی و عدم تعارض با شرع و احکام اسلام محدود می‌گردد.

در دومین مرحله و در بازنگری قانون اساسی، با تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام با هدف دقت و کنترل جریان جهت‌گیری و موضع‌گیری‌های پرچمداران توحید در برابر استکبار از طریق تعیین سیاست‌های کلان نظام تشکیل شد که باعث تحت تاثیر قرار گرفتن ساختارهای برنامه و ساختارهای توسعه و کنترل و بهینه آنها می‌شود.

در سومین مرحله و در سال ۸۳، توسط مقام معظم رهبری از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، افق جدیدتری فراتر از سیاست‌های کلان نظام، پیش روی نظام «تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرا» گشوده شد و برای بار سوم منطق برنامه‌ریزی به وسیله ابلاغ سند چشم‌انداز بیست ساله

متحول گشت.

بنابراین نظام «تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرا» از بدو انقلاب تاکنون سه بار دستخوش تحول شده است: در ابتدای انقلاب، علم برنامه‌ریزی به عدم مخالفت قطعی با شرع مشروط می‌شود. هشت سال بعد، نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام بر سیاست‌های کلان نظام به قانون مبدل می‌شود و از سال ۸۳ به بعد، این علم به سند چشم‌انداز مقید می‌گردد.

## ۴. دستاوردهای دفتر فرهنگستان علوم اسلامی در هدایت علمی منطق برنامه‌ریزی در راستای تکامل نظام

۴/۱. کیفیت پیدایش تئوری ارتباط «حجیت»، «معادله» و «مدل» به عنوان  
ابزاری برای ایجاد رابطه منطقی میان معرفت دینی و علم برنامه‌ریزی

اما دفتر فرهنگستان علوم اسلامی از منظر انقلاب فرهنگی در علم  
برنامه‌ریزی، به دنبال ایجاد رابطه منطقی بین معرفت دینی و علم  
برنامه‌ریزی و به عبارت دیگر به دنبال «مشروعیت علم برنامه‌ریزی» است.  
علمی که «تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرا» را به نظام امور مسلمین  
ارتباط دهد و معلوم کند که نظام امور مسلمین در کلمات وحی از چه  
خاستگاهی برخوردار است؟

رویکرد انقلاب فرهنگی در طول ۳۰ سال مجاهده فکری، روند  
پیدایش و تغییرات را سپری کرده و با دستیابی به تئوری ارتباط بین  
«حجیت»، «معادله» و «مدل»، بدین شرح تکامل پیدا کرده است:

در ابتدای نهضت، حضرت امام خمینی (ره) در درس خارج حکومت  
دینی خود در نجف اشرف فرمودند: حکومت، تئوری تحقق فقه و بستر

جریان احکام است.

بدنبال این فرموده، استاد آیه‌الله حسینی‌الهاشمی، منطق انطباق را برای تحقق موضوعات متعلق احکام کلی در موضوعات تخصصی عینی تولید کردند. این اولین بار در تاریخ است که با تولید منطق انطباق، دین‌قادر می‌شود در منطق برنامه‌ریزی حضور پیدا کرده و تنظیم امور مسلمین را تحت تأثیر قرار دهد.

سپس این منطق رشد کرده و به تئوری ارتباط بین «حجیت، معادله و مدل» تکامل پیدا کرد.

در ادامه این روند، با تغییر حد اولیه فلسفی، علاوه بر چرایی و چیستی، قدرت تحلیل از چگونگی و تبدیل در بحث معادله و ریاضیات آن به وجود آمد و بالتبع زیرساخت مدل نیز دچار تغییر گردید.

**۴/۲. کیفیت پیدایش جدول «الگوی تنظیم برنامه» به عنوان ابزاری برای تولید «چشم‌انداز»، «سیاست‌های کلان» و «برنامه» برای نظام**

با پیشرفت کار فکری استاد علامه، جدولی تحت عنوان «الگوی تنظیم برنامه» تولید گردید. این جدول دارای سه بلوک و هر بلوک دارای ۹ سرفصل و یک خروجی است:

۱. بلوک اول در ۹ سرفصل، افق‌های بلند مدت نظام را ترسیم می‌کند و خروجی آن، سند چشم‌انداز است.

۲. بلوک دوم نیز در ۹ سرفصل، افق‌های میان‌مدت نظام را ترسیم می‌کند که خروجی آن، سیاست‌های کلان نظام است.

۳. بلوک سوّم هم دارای ۹ سرفصل است که برنامه‌های کوتاه‌مدت و سالانه را تحویل می‌دهد.

۴/۳. کیفیت تولید تطبیقی - تخمینی سیاست‌های کلان حاکم بر لایحه برنامه پنجم توسعه بر اساس مبانی نظری تولید شده در دفتر

در واقع بر اساس نگاهی تطبیقی و با تحلیل کلیّات الگوی رفتاری ساختار تمدن مدرن و بررسی کلیّات الگوی رفتاری انقلاب اسلامی در ساختارهای تمدن موجود، متغیّرهای اصلی آسیب‌های اجتماعی روشن شد و مبنای طراحی اهداف چهار برنامه پنج ساله قرار گرفت. بنابراین بلوغ حرکت انقلاب فرهنگی توانسته خود را در مدل برنامه و رفتار یک نظام به نحو علمی و منطقی و بر اساس «فلسفه شدن اسلامی» نشان بدهد که فرآیند تطبیقی تخمینی تولید سیاست‌های پیشنهادی کلان لایحه برنامه پنجم توسعه، نمونه‌ای از آن است.





۱. «ادامه تولید»  
به عنوان دستور کار فعلی  
دفتر فرهنگستان  
در مسیر انقلاب فرهنگی



## ۱/۱. ترسیم مسیر تحقق انقلاب فرهنگی در سه مرحله «کار فردی»، «کار گروهی»، «کار سازمانی»

همه می‌دانیم که یک مرکز آکادمیک در پاسخ به استنصار فکری رهبری و دولت متکفل تولید و امتداد تولید در موضوعات محوری حکومت و دولت است که استراتژی این کار ابتدا از شکل «کار فردی» آغاز و سپس به «کار گروهی» تبدیل شده و در نهایت به «کار سازمانی» منجر خواهد شد.

استاد فرزانه مرحوم آیه‌الله سید منیرالدین حسینی الهاشمی در مدت ۳۰ سال تفکر پیرامون موضوعات اداره حکومت دینی با یاری خداوند متعال موفق به تأسیس منطق و فلسفه جدید «اصالت ولایت» و پی‌ریزی فونداسیون سه شهر بزرگ علمی «حجیت، معادله و مدل» بر این مبنا گردیدند و از شاگردان و آشنایان به تفکر خود، ادامه کار را ولو با موانع و محدودیت‌های گوناگون خواستار شدند.

امثال امر و حاصل سازماندهی کار گروهی دفتر فرهنگستان علوم اسلامی، ورود به بدنه علمی کشور با تنظیم طرح پیشنهادی تولید سیاست‌های کلان برنامه پنجم و تغییر در روش تحقیق تولید برنامه است

تا پس از آن بتوان مهندسی فرهنگی را به صورت سازمانی ساماندهی کرد. برای تحقق این امر ضرورت ایجاد می‌کند که ادامه کار نظری را با «تحقیقات کتابخانه‌ای» تأیید و با «تحقیقات میدانی» بهینه و اثبات کرد. لذا بسیج و تدوین کلیه پایان‌نامه‌های کشور حول سیاست‌های پیشنهادی به منزله لجستیک مدل اداره کشور و ساختارسازی جهت تحقق سیاست‌های ضروری و حقیقی نظام مبارک جمهوری اسلامی است که بدون آن تنها به دسته‌ای از قوانین حقوقی دست خواهیم یافت که استیفای آن نیز، غیر ممکن خواهد بود.

## ۱/۲. تطبیق مراحل انقلاب فرهنگی به سه سطح «تولید نظام علوم، تولید ساختار علوم و تولید محصولات علوم»

اگر «نظام علوم»، «ساختارها» و «محصولات» و ضرب آنها را در یکدیگر تعریف «فرهنگ» بدانیم؛ مرحوم استاد حسینی (ره) در دوران حیات پر برکت خویش «نظام علوم نظام علوم» و «نظام علوم ساختار» و «نظام علوم نظام محصولات» را پی‌ریزی کردند. از این رو باید در ادامه کار «ساختار نظام علوم»، «ساختار نظام ساختار» و «ساختار نظام محصولات» تولید شود تا عملاً «تطبیق» تحقق گردد.

بنابراین نیاز و راه اصلی ما در ساماندهی علمی؛ پیشبرد کار تطبیق و ورود به بدنه علمی کشور است، هم‌چنان که نیاز و درخواست متصدیان امور و مسئولین اجرایی نظام، «تنظیم سیاست‌های کلان» و «نقشه جامع علمی کاربردی موضوعات جامعه» است.



۲. کیفیت تولید  
«سیاست‌های کلان پیشنهادی  
حاکم بر برنامه پنجم»  
به عنوان واسطه علم و اجرا





## ۲/۱. عدم پذیرش روش علمی دفتر برای حضور در عرصه اجرا، علت پیدایش تولید تخمینی سیاست‌های کلان

در این مقطع دفتر فرهنگستان علوم اسلامی ضمن برقراری ارتباطات متعدد با رجال سیاسی و فرهنگی کشور، آمادگی خود را جهت مشاوره و ارائه طرح‌های راهبردی از جمله تئوریزه کردن عدالت، تحلیل گرانی و تورم، تنظیم سیاست‌های کلان لایحه برنامه و... اعلام کرده است، ضمن آنکه به کرات بر نیاز خود در فراهم‌سازی زمینه تحقیقات میدانی که پس از تحقیقات کتابخانه‌ای ضرورت می‌یابد، پافشاری نموده و از مقامات علمی و فرهنگی کشور در تحقق این مهم استعانت می‌جوید.



## ۲/۲. توجه به تعارض دو فرهنگ حاکم بر جامعه (ادبیات حوزه و ادبیات دانشگاه) به عنوان چالش اصلی در تنظیم سیاست‌های کلان

برای توضیح اجمالی فرآیند تطبیقی تخمینی تولید سیاست‌های کلان پیشنهادی برنامه پنجم توسعه و در اولین قدم تعریف "توسعه" در "وضع موجود" مدنظر قرار می‌گیرد به این معنا که برنامه از پایگاه چه ادبیاتی نوشته می‌شود؟ کلمه "توسعه‌یافته" یا "جایگاه اول اقتصادی" به کدام ادبیات باز می‌گردد؟!

آیا خاستگاه کلمه توسعه، ادبیات "توسعه همه جانبه"؛ به معنای مصطلح و مشترک در غرب و همه جهان است و یا به معنی ادبیات انقلاب و یا به معنی ادبیات حوزه است؟!

باید گفت تعریف توسعه در وضع موجود "تعاملی" و به معنی ترکیبی از تکامل معنوی (برخاسته و بر اساس ادبیات حوزه) و تکامل مادی (برخاسته و بر اساس ادبیات توسعه) است. پس اولین نکته، وجود دو فرهنگ و دو پایگاه تعاملی علمی، در تعریف و تنظیم سیاست‌هاست که توجه به هر یک بدون دیگری، اشتباه و انحراف در کارشناسی را نتیجه می‌دهد.

## ۲/۲/۱. مدل‌مند بودن فرهنگ غرب در مقابل انتزاعی بودن فرهنگ حوزه و فرهنگ انقلاب، علت تفوق فرهنگ غرب در عینیت

باید توجه داشت که با تشکیل نظام جمهوری اسلامی، «مدل» پیشنهادی در ساختارهای قانون اساسی بر «جمهوریت» پایه‌ریزی شده و جمهوریت در بحث برنامه با «مدل برنامه» هماهنگ است. بر این اساس، ماشین اداره کشور در ساختارهای برنامه، برگرفته از مدل برنامه غرب (مدل تری کپس) و اقتصادمحور است. مدل برنامه به مثابه یک ماشین است که بر آن «معادله» حاکم است، یعنی علی‌رغم فرهنگ و ادبیات حوزه، مدل یک امر اعتباری و غیر حقیقی نیست که با قیام و قعود بتوان آن را متحول کرد و با انضمام روایات و آیات و کلمات رهبری بتوان آن را تغییر داد، بلکه روابط علی و معلولی و منطقی و سیستمی بر همه اجزاء و اعضاء آن حکومت می‌کند. همان‌طور که اگر یک سیم از سیستم برقی ماشین قطع شود، ماشین کلاً متوقف شده و از کار می‌افتد. به نظر می‌رسد ناهنجاری‌های اجتماعینیز در نتیجه چنین تصرفاتی در ماشین برنامه به وجود آمده است.

پس ضمن پای فشاری بر جهت حاکم بر نظام مبارک جمهوری اسلامی و التزام قلبی به نصب‌العین قرار دادن آیات و روایات در چشم‌انداز اداره کشور، باید بتوان مدلی را طراحی کرد که بین سیاست‌های آن روابط معنی‌دار حاکم باشد؛ همان‌طور که در دستگاه کارشناسی غرب (بانک جهانی یا بخش عمران سازمان ملل و...) برای توصیه به کشورهای در حال توسعه، به روابط معنی‌دار بین تعاریف و تصمیمات خود توجه زیادی دارند.

به طور خلاصه در گام اول به این نکات اشاره شد که: ۱- تعریف

توسعه، تعاملی است. ۲- آن چه از غرب صادر شده، مدل‌مند است. ۳- آن مدل، اقتصادمحور است.

## ۲/۲/۲. تحلیل مدل غربی اداره جامعه و تطبیق آن با رفتار عملی انقلاب اسلامی در ۲۷ سال گذشته

گام بعدی، بررسی ماشین مدل برنامه توسعه است. ماشین مدل برنامه دارای ۹ محور به‌عنوان الگوی رفتاری فرهنگ توسعه برای هماهنگ کردن تمامی کشورهای جهان می‌باشد که هر کشور در طراحی مدل خود، باید این محورها را مورد توجه قرار دهد.

انقلاب اسلامی ایران در طول ۲۷ سال، در لایه‌های ساختار برنامه، دخل و تصرفاتی انجام داده ولی هم‌چنان دچار ۹ محور چالشی در ساختار برنامه می‌باشد؛ به عبارت دیگر ماشین مدل برنامه غرب در سیر حرکت خود - که تطبیق در موضوعات برنامه جمهوری اسلامی است - با موانعی برخورد کرده و دچار مشکل شده است.

در طرح پیشنهادی تنظیم سیاست‌های کلان ۹ محور آسیب دیده شناسایی شده و بر اساس تطبیق و رویکردی که به سند چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور داشته‌ایم، حل چالش بین ادبیات انقلاب و ادبیات توسعه پی‌گیری می‌شود. در این مقطع برای اینکه روشن شود چگونه می‌توان ماشین برنامه را - که با رفتار انقلاب دچار آسیب شده - از منظر عدالت و شعارهای دولت نهم بازسازی و تعمیر کرد، برای این کار چهار هدف کلی ارائه می‌شود، سپس با ملاحظه سند برنامه پنجم مورد بررسی قرار می‌گیرد. اولین جمله ای که در سند چشم‌انداز آمده این است که: ایران کشوری است توسعه یافته با «جایگاه اول اقتصادی در منطقه».

## ۲/۲/۲/۱. محور قرار گرفتن تولید به عنوان قطب توسعه در استراتژی ۲۷ سال گذشته انقلاب

از سوی دیگر و از منزلت اقتصاد کلان برای تحقق این امر احکامی صادر می‌شود. در این منظر برای رسیدن به این جایگاه باید تولید را قطب توسعه قرار داد تا در اثر آن، گردونه زندگی مادی مردم از گردش حول محور واردات - که باعث مقروض شدن کشور است - خارج شده و به گردش حول محور صادرات تبدیل شود. این رویکرد آن است که قرار دادن تولید به عنوان قطب توسعه، توازن ارزی از طریق صادرات و واردات کنترل شود در پی آن، در بخش آموزش و پرورش، آموزش عالی، رابطه پژوهش با صنعت و... با این روند هماهنگ شوند. به عبارت دیگر سیاست‌های کلان و خرد منابع نیروی انسانی، منابع طبیعی و عوامل بهره‌وری تولید و ... را هم بر اساس همین استراتژی معرفی می‌شود.

## ۲/۲/۲/۲. آثار سوء محور شدن تولید به عنوان قطب توسعه با توجه به تبعات آن در بخش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی

در ادامه و برای لجستیک این استراتژی، نیاز به متخصص مطرح می‌شود و از آنجا که استفاده از متخصصین خارجی در مواقع ضروری، بدلیل هزینه‌های سنگین آن، تورم‌زا است، بومی شدن دانش، صنعت و یا کارخانه مورد نظر ضروری خواهد شد. طبیعی است تبعات این عمل در ایجاد انگیزه مادی و تنوع در تولید و سیکل کارخانه و تولید انبوه و مصرف انبوه ظاهر می‌شود. در بخش فرهنگ نیز موضوع تبلیغ کالا و مسائل دیگری که به تبع آن پیش خواهد آمد، مطرح می‌شود. سایر مسائل اجتماعی هم به همین ترتیب یکی پس از دیگری موضوعیت پیدا می‌کنند.

از طرف دیگر در بخش سیاسی و امنیتی اگر تولید، قطب توسعه قرار گیرد، باید برای پیشرفت برنامه‌ها به هشت کشور توسعه یافته که صادر کننده تکنولوژی هستند، متصل شد. اگر افزایش ارزش افزوده و ثروت ملی دنبال می‌شود، باید روابط دوستانه‌ای با این کشورها - که سیاست‌های هماهنگی در مسائل جهانی دارند - ایجاد شود. در این رویکرد فتح باب مودت با این کشورها یک اصل به شمار می‌رود و نبود چالش و تنش - گذشته از تخاصم و جنگ - امری ضروری محسوب می‌شود. این رویکرد توصیه می‌کند تا مسئولان از شعارهای تنش‌زا دست بکشند و حال که بعد از انقلاب، کشوری دموکراتیک ایجاد شده، شاخصه‌های آن نیز در بخش‌های سلامت، حقوق شهروندی، آزادی، امید به زندگی و ... محقق شود تا مردم ایران به زندگی خوب و راحت دست پیدا کنند. در این بین، کشور ما بر اساس باورهای خود و بر خلاف دیگر کشورهای توسعه یافته به ظلم و استعمار و تجاوز نمی‌پردازد و فقط به پیشرفت خود فکر می‌کند.

### ۲/۲/۳. ناکارآمدی استراتژی تولیدمحور در توسعه کشور به دلیل تأثیر شعار عدالت در تعمیم الگوی مصرف رفاه‌محور

اما در پاسخ به این نظریه باید گفت که در طی گذشت ۲۷ سال از پیروزی انقلاب اسلامی اثبات شده است که احکام مربوط به قرار گرفتن تولید به عنوان قطب توسعه و افزایش تولید ناخالص ملی و افزایش ثروت ملی برای رسیدن به جایگاه اولیه اقتصادی در منطقه، به دلیل پیدایش انقلاب در این مرز و بوم و اعلاای شعار عدالت و سوق دادن گستاخی انقلابی مردم به طرف الگوی مصرف غربی، به هیچ وجه محقق نمی‌شود و تا زمانی که از این الگوی مصرف پیروی شود، ایران هیچ‌گاه ثروتمند

نخواهد شد.

توضیح اینکه هزار و چهارصد سال است که فرهنگ اسلام و شیعه، رهبران نظام را به عدالت و قسط و عدل در منش و روش حکومت‌داری توصیه و مستضعفین را به تساوی و برابری حقوق با اغنیا متوجه کرده است. از این رو این فرهنگ در اعتقاد شیعه نهادینه شده و در مباحث کلامی، جایگاهی ویژه دارد. بر اساس همین اعتقاد، حضرت امام (ره) در جریان مدیریت نظام، به محرومین و مستضعفین جامعه عنایت نموده و سعی داشتند تا سیاست عدالت محوری در همه ساختار نظام جاری شود. به تبع ایشان مقام معظم رهبری به کرات و به انحاء مختلف بر جریان عدالت و رفع استضعاف از چهره جامعه تاکید کرده‌اند. اکنون نیز فضای سیاسی کشور به همت و عزم رئیس قوه مجریه، رئیس مجلس و ریاست قوه قضائیه، فضای عدالت محوری و فقرزدایی و تصمیم در جهت تحقق این آرمان شده که موجب امید قلبی رهبر، دولت و ملت گردیده‌است.

از سوی دیگر تقویت روحیه گستاخی انقلابی مردم از یک طرف و الگوی مصرف وارداتی از طرف دیگر، بین دولت و اهداف تعیین شده آن، ایجاد فاصله کرده‌است. در ابتدا به نظر می‌رسید با طرح تعاونی‌ها در دوران مدیریت آقای مهندس موسوی، کشور به عدالت نزدیک شده و غنای نسبی دست یابد. اما با وارد کردن عدالت در الگوی مصرف، سطح انتظارات عمومی بالا رفته و عموم مردم به داشتن کلیه امکانات رفاهی ترغیب شدند. مردم به نرخ دولتی صاحب خانه، زمین، تیر آهن، کاشی، سیمان می‌شدند و با نرخ دولتی به سفر مکه و مدینه می‌رفتند و در بازگشت با خود تلویزیون، یخچال و دیگر لوازم برقی و لوکس را به همراه می‌آوردند. در واقع در دوران جناب آقای موسوی تصمیم الگوی



مصرف در قالب توزیع ارز و ارائه خدمات دولتی صورت گرفت. در دوران جناب آقای هاشمی نیز گرچه تلاش بر این بود که باید تولید، قطب توسعه شود و از طریق افزایش تولید ناخالص ملی و درآمد مردم، فقر زدایی محقق شود، اما پایه قرارداد کارشناسی غربی و وارد کردن مکانیزم بازار و سیاست‌های تعدیلی در اقتصاد کلان باعث شد بجای قرار گرفتن تولید در قطب توسعه، توزیع و مصرف قطب توسعه شود و در واقع همان سیاست قبلی یعنی تعمیم‌الگوی مصرف اجرا شد با این تفاوت که محور این سیاست، مقوله سازندگی بود.

#### ۲/۲/۲/۴. محور شدن توزیع به جای تولید، در عینیت، به عنوان قطب توسعه از دوران طاغوت تا زمان حال

به عبارت دیگر هنگامی که گستاخی انقلابی چه به شکل دولتی و چه به شکل بخش خصوصی به طرف مصرف هدایت شود، عملاً این توزیع است که در حال تبدیل شدن به قطب توسعه است. بنابراین هم کارشناسی شرقی و هم کارشناسی غربی در کشور ما به بن بست رسیده و نه مشکل اشتغال را حل کرده و نه مکانیزم قیمت‌ها را محقق ساخته است.

در نتیجه، ناسازگاری و تعارض شعار عدالت با دستگاه کارشناسی غربی - که ثمره‌ای جز اختلاف طبقه به همراه ندارد - در چهار بازار انعکاس یافته و جامعه را دچار چالش و ناهنجاری نموده و عدالت را به بن بست کشانده است. به تعبیر دیگر در کشور ما متغیری که نرخ کالا را معین می‌کند، فقط متغیر سود سرمایه نیست، بلکه گاه، این متغیر «کار» است که نرخ کالا را تعیین می‌کند و گاه متغیر «سود سرمایه».

باید توجه داشت که در ایران به دلیل شعار عدالت و گستاخی

انقلابی، بازار، آزاد و رهاست و تحت کنترل اتحادیه و کارخانه و بخش دولتی قرار نمی‌گیرد و به همین دلیل دستمزد کارگر به صورت قاعده‌مند از سود سرمایه تبعیت نمی‌کند. بر این اساس، افزایش ثروت و تولید ناخالص ملی و احکامی از قبیل قطب شدن تولید در توسعه کشور رسیدن به جایگاه اول اقتصادی در منطقه توصیه می‌شود؛ که برای به دلیل شعار عدالت و ورود گستاخی انقلابی در الگوی مصرف، مثمر ثمر نبوده و توسعه را محقق نمی‌سازد.

### ۲/۲/۲/۵. حاکم شدن «مبنای رفاه» بر الگوی مصرف نظام به معنای افزایش جهشی مصرف به دلیل پذیرش آن از سوی مسئولین نظام

نکته‌ی مهم دیگر آن که الگوی مصرفی که در زمان دولت آقای مهندس موسوی ارائه شد نیز به صورت ثابت باقی نماند و پیوسته ارتقاء یافت. به عنوان نمونه می‌توان به الگوی خودروی ملی اشاره کرد که در آن زمان به پیکان تعریف شد، اما در دولت‌های بعد ثابت نمانده و تبدیل به سمند گردید. در هیچ زمانی گفته نشد که به فلان فن‌آوری نوین نیازی نیست، بلکه پیوسته فن‌آوری‌ها هم زمان با آخرین ابزارها تغییر کردند.

پس از یک طرف روشن شد که قرار گرفتن ایران در جایگاه اول اقتصادی در منطقه به دلایل ذکر شده محقق نمی‌شود و از طرف دیگر انقلابیون هم نسخه جدیدی نداشته و در بین مسئولین نظام مدل تری کپس به شعارها و احکام انقلاب مقید و مشروط می‌شود. اما مشروط کردن مدل در حقیقت، به معنای عدم ارائه مدل جدید و در نتیجه روزمرگی و عدم تحقق برنامه‌ها و چشم‌اندازهاست

## ۲/۲/۲/۶. تفاوت الگوی توزیع رفاه در ادبیات توسعه با عملکرد نظام در محور بودن صنعت در توزیع رفاه و فاصله طبقاتی در غرب

در واقع مسئولین انقلابی نظام برای جهش در الگوی مصرف قائل به «حدّ یقف» نیستند اما این رویه با ادبیات توسعه سازگاری ندارد. زیرا در این ادبیات، برنامه‌ریزی به گونه‌ای است که کارخانه‌های بزرگ ایجاد شوند و به تبع در هر جا که صنعت بود، رفاه نیز هست. به این معنا که اگر منطقه‌ای برای تبدیل شدن به قطب تولیدی یا صنعتی و یا تجاری مناسب ارزیابی شد، کلان شهر و امکانات رفاهی نیز شکل می‌گیرد که با این توصیف، دولت نسبت به دیگر مناطق (مانند روستاها) وظیفه‌ای احساس نمی‌کند و زمانی نوبت به آن مناطق می‌رسد که طی ریاضتی چندین ساله، کشور به ثروتمندی قابل قبول دست یافته باشد.

بنابراین تصمیماتی که مسئولین انقلاب در طول بیست و هفت سال گذشته گرفته‌اند، در ضرب و تفریق و محاسبات «سود و سرمایه» جایی ندارد. از این رو این رفتار که «اگر کالایی در غرب تولید شد، ما هم آن را طلب می‌کنیم» حتی در ادبیات توسعه - که مبنای آن، رفاه است - غیرقابل پذیرش است. گرچه این رفتار مسئولین بر اساس شعار عدالت‌محوری است، اما باید توجه داشت که چنین رویه‌ای در عمل، تأیید «مبنای رفاه» در الگوی مصرف است و نه تحقق «توزیع رفاه». زیرا هنگامی که برای رفاه سقفی قائل نشویم، نمی‌توان بالاترین حدّ رفاه را در همه مناطق و برای همه افراد به وجود آورد. این ضعف، غیر از آن است که این رفتار حتی بر اساس ادبیات توسعه هم «علمی» محسوب نمی‌شود. زیرا ادبیات توسعه علی‌رغم پذیرش مبنای رفاه، هر نوع الگوی مصرفی را در زمانی که کشور در حال حرکت به سمت ثروتمند شدن است، امضاء نمی‌کند. به

عبارت دیگر ادبیات توسعه رفاه را در هر سه سطح «تولید، توزیع، مصرف» مبنا قرار می‌دهد اما در رفتار مسئولین، رفاه تنها در مصرف تمدن و مصرف تکنیک پذیرفته می‌شود و لا غیر.

### ۲/۲/۲/۷. متغیر اصلی بودن «بودجه و راندمان» در ادبیات انقلاب در مقابل متغیر اصلی بودن «سرمایه‌گذاری و پس‌انداز» در ادبیات توسعه بر اساس مدل تری‌کپس، علت بروز پدیده تورم و گرانی

بنابراین مجموعه بردار اول (گستاخی انقلابی در مصرف) و بردار دوم (جاری شدن مبنای رفاه در عملکرد مسئولین انقلابی بدون هیچ حدّ و مرزی) باعث می‌شود که ایران به «جایگاه اول اقتصادی در منطقه» دست پیدا نکند؛ زیرا اولین نتیجه این دو بردار، نهادینه شدن گرانی و تورم است. بر این اساس، معادله ادبیات توسعه در کشور انقلابی ایران کارآمد نیست، گرچه در کشورهایی مانند هند، عربستان، ترکیه، پاکستان، مصر و فنلاند موفق است و اساساً در حال هماهنگ کردن تمامی کشورهای دنیاست؛ اما در ایران به دلیل ظهور یک انقلاب با ماهیتی اسلامی و ارزشی، ادبیات توسعه دچار چالش می‌شود و در صورت عدم لحاظ این چالش، فعالیت‌ها و تلاش‌ها بی‌ثمر خواهند بود.

توضیح بیشتر آن که صادرات و واردات باید در مدل (و نه در اقتصاد خرد یا کلان) به عنوان متغیر اصلی و یکی از سه شکاف در مدل تری‌کپس ملاحظه شود، مدلی که شیب آن به طرف قرار دادن تولید به عنوان قطب توسعه است. به همین دلیل در جامعه‌ی اقتصاد محور غربی، متغیر اصلی این سه، «سرمایه‌گذاری و پس‌انداز» است، یعنی سیاست‌هایی محور قرار می‌گیرد که سرمایه‌های خارجی و داخلی را جذب کرده و

پشتوانه تولید قرار دهد تا «تولید محوری» در اقتصاد محقق شود. اما با پیروزی انقلاب آنچه متغیر اصلی قرار گرفت «بودجه و راندمان» بود و نه «سرمایه‌گذاری و پس‌انداز». در واقع از آنجا که دولت به بخش خصوصی برای حل مشکلات اضطراری یا روزمره مردم اعتماد نداشت، عنان اقتصاد را خود به دست گرفته و به وسیله‌ی نهادهایی مانند جهاد سازندگی سعی در دستگیری مردم داشته و یاران‌هایی را به بخش‌های مربوط به نیازمندی‌های مردم اختصاص داده است.

این رفتار باعث شده است تا بخش توزیع، قطب توسعه کشور قرار گیرد. پس می‌توان گفت ادبیات توسعه، متغیر اصلی را «سرمایه‌گذاری و پس‌انداز» می‌داند و ادبیات انقلاب چنین نقشی را به «بودجه و راندمان» اعطاء می‌کند.



### ۲/۳. ارائه چهار هدف برای چهار برنامه آتی بر محور تغییر بافت «صادرات و واردات» در جهت کنترل تورم و گرانی بر مبنای عدالت

برای حل این معضل ابتدا باید الگوی انتظارات کنترل شده و با تورم مقابله شود و نه با الگوی مصرف، زیرا الگوی مصرف را یک شبه نمی‌توان تغییر داد. مشکلات بعد از اعمال مدیریت مصرف سوخت به خوبی این مهم را تبیین کرد. پس از آنجا که تورم به توازن ارزی باز می‌گردد، اولین مرحله در مقابله با این مشکل «تغییر بافت صادرات و واردات بر مبنای عدالت» است، به این معنا که اولویت در این باره با نیازها و مصارف عمومی داخل کشور و مردم منطقه خواهد بود. اثر اول این تغییر، در تعیین الگوی تولید است و همزمان با آن، مناطق آزاد تجاری به جای ترانزیت کالا، به سکوی پرشی برای صادرات و واردات مصارف عمومی تبدیل می‌شوند و دیگر به ترانزیت مصارف لوکس یا مصارف سازمانی نمی‌پردازند. به عبارت دیگر، متغیّر اصلی در صادرات و واردات، مصارف عمومی خواهد بود و این الگوی مصرف دولت و سرمایه‌داران خواهد بود که دچار تغییر خواهد شد. با صرفه‌جویی انجام شده از این طریق، در الگوی مصرف مستضعفین گشایش ایجاد می‌شود و اجناس گران به وسیله تولید داخل و واردات، کاهش قیمت خواهند یافت. این الگو، ارتباط ما را

با ملت‌های منطقه نیز افزایش می‌دهد زیرا با الگوی مصرف عمومی این کشورها نیز مرتبط است.

در صورت تحقق این تغییرات در تجارت، الگوی صنعت و تولید نیز به الگویی «ساده، فراگیر و بادوام» تبدیل می‌شود که باعث خواهد شد کشور از ارتباط با اتحادیه اروپا برای واردات تکنولوژی بی‌نیاز شده و به وسیله کشورهای همچون غیر متعهدها به رفع نیازهای تکنیکی خود همت گمارد، کشورهایی که دچار مشکل سیاسی با ما نیستند و حتی از موضع‌گیری‌های جهانی ما نیز دفاع می‌کنند. به عنوان مثال، قالی‌های ابریشمی تنها برای مصرف کنندگان سرمایه‌دار و مرفه، اعم از خارجی و داخلی بافته می‌شود. چرا باید چنین فعالیت‌های تورم‌سازی را انجام داد در حالیکه می‌توان با تغییر در سیاست قالی‌بافی، قالی‌های ارزان برای عموم مردم بافت تا نیازی به کالاهایی همچون موکت نیز از بین برود.

راه برون‌رفت از محوریت اقتصاد در جامعه، قرار دادن «صادرات و واردات» به عنوان متغیر اصلی است تا از طریق مدیریت الگوی انتظارات و تغییر در بافت صادرات و واردات بر مبنای عدالت - و نه رفاه - تورم و گرانی کنترل شود. البته صادرات و واردات در سطح مدل به معنای «ارز» است. یعنی از تعادل ارزی و قدرت کمی شده‌ی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یک ملت در توازن با سایر ارزها، قیمتی تعیین یافته و قدرت خرید در جهان به معنای قدرت خرید تکنیک و رفاه ایجاد می‌شود.

بنابراین در برنامه پنجم، الگوی مصرف مردم محدود نمی‌شود و آنچه مردم به آن عادت کرده‌اند، در دسترس آنها خواهد بود اما از ورود کالا و تکنولوژی جدید جلوگیری می‌شود. به عنوان مثال پخش اخبار پیرامون تکنولوژی جدید گوشی‌های تلفن همراه کنترل خواهد شد که این، یکی از



مصادیق انعکاس استراتژی ما در بخش رسانه است. در واقع پوشش رسانه‌ای و تبلیغاتی پیرامون سطح جدید رفاه کنترل شده و این کار به مجلات علمی برای اطلاع دانشمندان محدود می‌گردد و همزمان با آن، یارانه دولتی، زیان‌های احتمالی بخش رسانه را جبران خواهد کرد و در عوض اخبار و گزارش‌هایی که روحیه انقلابی مردم را بر ضد مفاسد و ناهنجاری‌ها تحریک کند، سهم بیشتری در رسانه خواهند داشت.

اما در برنامه ششم، تغییر الگوی مصرف هدف اصلی خواهد بود ولی این کار نه به صورت مکانیکی بلکه از طریق ساختارسازی برای نهاد خانواده انجام خواهد شد. به عبارت دیگر نسل جدیدی که در زمان این برنامه به بلوغ رسیده‌اند، گروه هدف هستند و با امکانات رایگان اما بسیار ساده و سطح پایین، امکان ازدواج بسیار آسان برای آنها فراهم می‌شود. پس ازدواج آسان، عملاً مشروط به الگوی مصرف ساده خواهد شد و چون ازدواج، نیاز مهم جوانان است، از الگوی مصرف بسیار پایین نیز استقبال می‌شود. در صورت فراگیری ازدواج است که مواد مخدر ریشه کن می‌شود و احتیاجی به هزینه بودجه‌های سنگینی که به این امر اختصاص دارد، نیست.

هدف برنامه هفتم نیز، بومی کردن الگوی صنعت خواهد بود یعنی الگوی صنعت بادوام، ساده و فراگیر.

در برنامه بعدی (برنامه هشتم) و با تحقق این الگو، به مصرف انبوه خواهیم رسید زیرا کالاهای تولیدی، کالاهایی ارزان و با عمر زیاد هستند و مردم مستضعف منطقه که در نظام سرمایه‌داری تحقیر شده‌اند، مشتریان این کالاها هستند حتی به این قیمت که به مرزهای ایران بیایند و کالاهای ایرانی را به صورت قاچاق به کشور خود وارد کنند. در این صورت است

که ما به «جایگاه اول اقتصادی در منطقه» دست خواهیم یافت. این پیشنهاد در واقع انعقاد نطفه عدالت در برنامه پنجم توسعه است. زیرا ۲۷ سال است که با شعار «مرگ بر آمریکا» «جهت» اسلامی نظام حفظ شده و امروز «ساختار» نظام نیز، باید به وسیله این سیاست‌ها به طرف اسلامی شدن حرکت کند.

روشن است که استراتژی پیشنهادی برای برنامه پنجم توسعه باید در تمامی بخش‌ها از جمله سیاست‌های سرمایه‌گذاری، ارتباطات، پژوهش و آموزش، رسانه، تهدیدها و فرصت‌ها، حقوق شهروندی، اقتدار و عدالت سیاسی و فرهنگی و اقتصادی لحاظ شده و اعمال گردد.

۳. تبیین اهداف محوری بخشی  
سیاست‌های کلان پیشنهادی  
حاکم بر برنامه پنجم توسعه  
بر مبنای هدف تعیین شده برای این برنامه



دفتر فرهنگستان علوم اسلامی این سیاست‌ها را تنظیم کرده است تا بر این اساس، سیاست‌های مالی و مالیاتی و طرح‌های ملی - که باید بر اساس استراتژی دفاع همه‌جانبه نوشته شود - با پول نفت و به وسیله بخش دولتی انجام پذیرد و طرح‌های استانی نیز با نظام مالیاتی و بدون حمایت پول نفت محقق گردد. وظیفه بخش علم و فن‌آوری، بخش فرهنگی و اجتماعی و بخش سیاسی و امنیتی و قضایی نیز آن خواهد بود که بخش اصلی را لجستیک کرده و حول آن به فعالیت بپردازند، همان‌طور که در غرب نیز همه بخش‌ها حول تولید ناخالص ملی و رشد اقتصادی مستمر و شتابان تنظیم می‌شوند.



### ۳/۱. تعیین استراتژی صنعت حول الگوی تکنیک‌های «بادوام، ساده و فراگیر» به عنوان گام اول در برنامه پنجم

همانطور که گذشت اگر تغییر بافت صادرات و واردات بر اساس نیازمندی‌های عمومی انقلاب و مستضعفین دنبال شود، لازم است در همه بخش‌ها تغییراتی ایجاد شود. (عناوین و ترتیب آنها بر اساس نظامی است که در ادبیات توسعه موجود است) در ابتدا باید توجه داشت که اگر مبنای رفاه، موضوع برنامه‌ها قرار نگیرد، کشور احتیاجی به «تکنولوژی برتر» نخواهد داشت و بنابراین استراتژی تولید صنعتی ما حول الگوی تکنیک‌های «بادوام، ساده و فراگیر» شکل می‌گیرد. به این معنا که شامل نیازمندی‌های عمومی مردم و دارای عمری طولانی است. امروز در تولید کالاها سیاست‌های زیباشناسانه، تنوع‌گرا و سرعت‌گرای متناسب با سرعت کار جهانی، علت جلوگیری از تولید کالای بادوام شده است و ما در سیاست‌های تولیدی خود، به دنبال خروج از شاخصه‌های جهانی و بین‌المللی تولید هستیم.





## ۳/۲. تغییر نظام مدیریت از الگوی متمرکز به الگوی نیمه‌متمرکز در راستای تحقق استراتژی صنعتی

اما اولین بخشی که بر اساس تغییر در الگوی صنعت متحول می‌شود، بخش مدیریت است. به عبارت دیگر برای حرکت به سمت شاخصه‌های بومی، نیازی به روابط مدیریتی متمرکز نیست و باید در نظام مدیریت، فرماندهی را از حالت متمرکز به سوی شیوه نیمه‌متمرکز هدایت کرد. آقای رئیس‌جمهور نیز این ضرورت را به خوبی درک کرده و مدیریت کشور را از مدیریت وزارتخانه‌ها و مدیریت سران سه قوه به مدیریت استانی تغییر داده‌اند، اما این کار تنها در عمل محقق شده و باید تئوریزه گردد.



### ۳/۳. تغییر نگاه به مقدورات طبیعی نظام از نگاه اقتصادی به نگاه سیاسی به عنوان مقدورات استراتژیک

هدف محوری در بخش انرژی، حاکم شدن نگاه بومی به مقدورات طبیعی است و به جای به‌کارگیری تکنولوژی برتر در بخش انرژی، تکنولوژی‌های ساده و بومی جایگزین می‌شود. از سوی دیگر روشن است که قطب توسعه در دنیا به بعضی از منابع طبیعی نگاهی سیاسی دارد اما به دیگران توصیه می‌کند تا به کالاها نگاهی اقتصادی داشته باشند. اما در این بخش بنای ما این است که به کالاهایی چون نفت نگاهی سیاسی داشته باشیم و منافع ملی خود را دنبال کنیم. گرچه با این رویه - که باعث قطع صادرات نفت در بعضی از مواقع خواهد شد - ممکن است به وسیله‌ی کشورهای عرب، نفت دنیا تأمین شود، اما مقاومت در این مسئله باعث رسوایی آن کشورها در مقابل افکار عمومی منطقه خواهد شد. علاوه بر آن که دفاع مقدس به ما نشان داده است که مقاومت، معادله‌های مرسوم را تغییر خواهد داد و در طول زمان، حق، همراهانی خواهد یافت گرچه شاید در کوتاه‌مدت، ضررهای مقطعی به وجود آید.



### ۳/۴. هدف‌گذاری نقشه جامع علمی کشور بر مبنای حدّ تعیین شده برای تکنولوژی به تبع استراتژی حاکم بر بخش اقتصاد

در بخش علم و فن‌آوری، نقشه جامع علمی کشور باید بر اساس استراتژی اقتصادی (الگوی بادوام، ساده، فراگیر) پیش گفته، هدف‌مند شود. به عنوان مثال در ادبیات توسعه اگر بناست تولید، قطب توسعه قرار گیرد، نقشه جامع علمی نیز باید بر اساس رشد تبلیغ، پژوهش و آموزش تنظیم شده و رشد سطح فن‌آوری و علم متناسب با سطح جهانی و بین‌المللی دنبال شود. بر این مبنا پژوهش‌ها متناسب با آخرین دست‌آوردها تعریف شده و یا تکنیک‌های موجود وارد و تجزیه می‌گردند. بنابراین در نگاه پیشنهادی و بر اساس استراتژی اقتصادی بومی، لازم است نقشه جامع علمی کشور از تکنیک متوسط تبعیت نماید و در این صورت بسیاری از رشته‌های موجود در دپارتمان‌های علمی دنیا و رشته‌های میان‌رشته‌ای مورد توجه قرار نگیرد. بلکه تکنولوژی در سطح ساده آن دنبال شود و بر این مبنا، نقشه جامع علمی کشور تنظیم گردد، همچنان که هر نوع بورسیه‌ای نیز اعطاء نمی‌شود. البته چند رشته ویژه که مربوط به دستگاه رهبری می‌باشد از این قاعده مستثنی است که در این موارد، بالاترین سطح دانش و تسلط بر آن را کسب می‌کنیم ولی در نیازمندی‌های مصرف

عمومی، نیازی به جهش در هر سطحی نیست.

۳/۵. محور قرار دادن «وجدان کاری» به عنوان استراتژی حاکم بر بخش فرهنگ برای رونق دادن به بخش تولید

در بخش فرهنگ گرچه لازم است فرهنگ و وجدان‌های مختلف اجتماعی بر مبنای نظام ارزشی دین مانند بصیرت دینی، هنر دینی و... ایجاد شود اما امروز، هدف محوری بخش فرهنگ «ایجاد وجدان کاری برای رونق دادن به بخش تولید» است. در برنامه‌های بعدی نیز وجدان کاری لازم است، اما اولویتی تا این حد نخواهد داشت.

### ۳/۶. ارتقاء نظم اجتماعی متناسب با وجدان کاری از طریق ایجاد عزم ملی در بین نخبگان برای مطالعه در ارائه نسخه علمی آن

در بخش اجتماعی «ارتقاء نظم اجتماعی متناسب با وجدان کاری ایجاد شده» هدف اصلی است. البته ساماندهی نظم اجتماعی متناسب با این الگوی تولید، نیاز به کار فکری فراوان و پایان‌نامه‌های بسیاری دارد اما چون چنین پشتوانه‌ی فکری وجود ندارد، باید برای این مهم، عزم ملی ایجاد کرد؛ همان‌طور که برای تحقق سند چشم‌انداز هم همین ضرورت مطرح می‌گردد و عزم ملی پیرامون این موضوع بدون عبور از عزم نخبگان محقق نمی‌شود. اگر تغییر جهت در مدل برنامه دنبال شود، عرضه گمانه پیشنهادی دفتر فرهنگستان - که شامل سیاست‌های کلان با این رویکرد و با این نقشه جدید است - به نخبگان کشور ضروری است. در این صورت «نخبه» کسی است که به دنبال حل این چالش‌ها باشد. بنابراین اگر چنین شرایطی ایجاد شود، پایان‌نامه‌های بسیاری در این باره به صورت تخمینی تولید خواهد شد و می‌توان به علت اضطرار علمی، فعلاً بر اساس نسخه‌های تخمینی، کشور را به حرکت درآورد.





### ۳/۷. تغییر جهت سیاست خارجی به ارتباط با کشورهای غیر متعهد به تبع عدم نیاز به ارتباط با کشورهای صنعتی، ناشی از تغییر استراتژی صنعتی

در بخش سیاسی این سؤال مطرح است که ارتباط با قطب توسعه در روابط سیاسی چگونه است و آیا اقتصاد باید جهت سیاست خارجی را معین کند؟ بر اساس ادبیات توسعه معنای اقتصاد در تکنیک، «تکنولوژی برتر» و در تولید، «تقسیم کار جهانی» و یا به عنوان مثال عضویت در تجارت جهانی WTO است. اما در نگاه پیشنهادی، روابط با آمریکا و اروپا جایی ندارد. گرچه این هدف به صورت دفعی محقق نمی‌شود زیرا مدت معاهدات قبلی باید به پایان برسد، اما مهم آن است که معاهدات جدید تنها با کشورهای غیر متعهد انجام شود. پس معنای کنار گذاشتن روابط با آمریکا و اتحادیه اروپا به معنای تغییر در جهت سیاست خارجی است و نه تحولات ناگهانی. از این رو ارتباط با کشورهای غیر متعهد، مورد توجه قرار می‌گیرد و گرایش به هشت کشور صنعتی اهمیت کمتری خواهد یافت تا هدف محوری سیاست خارجی که «تداوم مقاومت در مقابل نظام استکبار و دعوت به خداپرستی» است، محقق گردد.



### ۳/۸. تغییر شاخصه‌های طبقه‌بندی مناطق کشور (آمایش سرزمین) بر مبنای حضور سیاسی در انقلاب به جای محرومیت اقتصادی

آنچه به عنوان هدف محوری در بخش سیاست داخلی پیشنهاد می‌شود «ضرورت تئوریزه کردن وحدت و همبستگی ملی حول هویت انقلابی و اسلامی از طریق شناخت صحیح کیفیت تئوریزه شدن مبنای رفاه و ادبیات توسعه» است. به عبارت دیگر تنازعی که توسط ادبیات توسعه بر سر دنیا و سطح رفاه بین اقوام داخلی ایجاد شده، باید از بین برود و افتخار هر استان به درصد مشارکت آن در انتخابات و راهپیمایی‌ها تعریف شود. از این‌رو درجه‌بندی استان‌ها نباید بر اساس محرومیت اقتصادی انجام گیرد.



### ۳/۹. تأمین امنیت در مرزهای کشور بر اساس احکام الهی

در بخش امنیتی - دفاعی، مرزهای شرقی باید به سطح قابل قبولی از امنیت برسد، در مرزهای غربی صنعت زیارت و تبادلات اقتصادی باید تسهیل شود، در آب‌های خلیج فارس اقتدار نظام باید افزایش یابد و در خصوص همسایگان شمالی روابط فرهنگی، باید موضوع اصلی برنامه‌ها قرار گیرد. به عبارت دیگر هدف محوری در بخش امنیتی - دفاعی «تأمین امنیت مرزها و بهینه تعریف «مَنْ اسْتَعَطُّمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مَنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهٖ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» است.



### ۳/۱۰. تغییر موضوع امنیت از امنیت سرمایه‌داری به امنیت فرهنگی حول عدالت‌محوری

هدف محوری حاکم بر بخش قضائی و حقوقی آن است که وجدان عمومی جامعه از ایجاد امنیت برای سرمایه‌داری برای ایجاد قطب تولید، به ایجاد امنیت فرهنگی حول عدالت‌محوری هدایت شود. به عنوان مثال به جای اینکه نیروی انتظامی وظیفه وصول چک‌های برگشت خورده مالکیت مردم را یکی از موضوعات اصلی برنامه‌های خود قرار دهد، باید بررسی مشکلات ایجاد شده توسط بخش خصوصی را دنبال کند، زیرا زیرساخت دعاوی مطرح در بخش مالکیت و تبعات فرهنگی آن مانند معضلات نهاد خانواده، قاچاق، فحشا و... به این بخش باز می‌گردد و اکثر پرونده‌های قضائی ما چنین داستانی دارند.

هدف محوری در بخش اقتصاد نیز، امنیت اقتصادی و کنترل تورم و گرانی است که بررسی تفصیلی آن گذشت.





۴. عناوین سیاست‌های کلان پیشنهادی  
حاکم بر برنامه پنجم توسعه  
در راستای تحقق اهداف محوری بخشی



## ۴/۱. اهداف محوری بخش اقتصاد

تا این‌جا اهداف محوری بخشی در لایحه برنامه پنجم به صورت اجمالی تبیین شد. اما سیاست‌های هر یک از این بخش‌ها نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در بخش اقتصاد باید نیازمندی‌های ضروری داخلی شناسایی شود تا بافت صادرات و واردات بر مبنای عدالت اجتماعی تغییر یابد و اولویت به ترتیب به «مصرف عمومی، مصرف سازمانی و مصرف لوکس» تعلق گیرد. ممکن است بعضی ادعا کنند که آمار کمی کنونی نیز همین اولویت بندی را نشان می‌دهد، اما به نظر می‌رسد فقدان نظام آماری جدید برای چنین محاسبه‌هایی، علت چنین گمانی است. علاوه بر این که حتی اگر کمترین ضریب به مصارف لوکس تعلق گیرد، اثر اخلاقی آن قابل اغماض نیست. سرمایه‌دارانی که کالای لوکس مورد استفاده آنان قرار می‌گیرند، قطب اخلاق کشور شده‌اند و سائر آحاد جامعه را با آرزوی رفاه بیشتر به دنبال خود می‌کشانند.

از سوی دیگر احداث اتوبان‌ها و آزاد راه‌هایی که بر اساس صنعت ترانزیت و تقسیم کار جهانی توصیه می‌شوند، متوقف خواهد شد همان‌طور که تغییر الگوی خدمات (حمل و نقل، ارتباطات و....) بر اساس

تکنولوژی ساده مورد توجه قرار خواهد گرفت. بنابر آنچه گذشت، یکی دیگر از اثرات هدف محوری در بخش اقتصاد، الگوی صنعت «فراگیر، بادوام، ساده» می‌باشد و یارانه‌ها بر این اساس، هدفمند خواهد شد. اضافه بر این، ساده شدن تکنولوژی احتیاج به بخش خصوصی و کارتل‌های داخلی و خارجی را از بین خواهد برد و سیاست‌ها را معطوف بخش تعاونی خواهد کرد.

## ۴/۲. اهداف محوری بخش مدیریت

در بخش مدیریت، گرچه مدیریت استانی، مدیریت صف و ستاد را به چالش کشیده است اما اگر اختیارات متناسب با آن توزیع نگردد، گردش «تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، اجرا» روان نخواهد بود. بنابراین باید تمرکز در مجلس شورای اسلامی هم شکسته شده و متناسب با مدیریت استانی، اختیاراتی حقوقی به شوراها تفویض شود، همان‌طور که روند کتبی یا شفاهی بودن روابط مدیریتی باید کاملاً در جهت عکس وضع موجود قرار گیرد تا بوروکراسی تضعیف شود. به تعبیر دیگر همه روابط در سطح مدیریت توسعه باید کتبی شده و این روند در استان‌ها تعدیل شود ولی برای امور اداری مردم عادی، تمامی روابط، باید به صورت شفاهی باشد. این روش باعث خواهد شد تا پیگیری و مجازات مدیران ارشد بسیار آسان‌تر باشد و مشکلات روزمره مردم کاملاً روان‌تر حل شود.



### ۴/۳. اهداف محوری بخش انرژی

در بخش انرژی و در شرائط فعلی، ادبیات علمی شاخصه‌هایی را برای معادن و منابع به کشورهای در حال توسعه و کشورهای عقب مانده عرضه می‌کند که در آن، سودآوری استعمارگران لحاظ شده است. پس باید به سوی تحلیل بومی در استفاده از منابع طبیعی حرکت کرد که این امر به وسیله ساماندهی پایان‌نامه‌ها پیرامون این موضوع، میسر خواهد شد. نهادینه کردن انرژی هسته‌ای در این بخش نیز، دارای اثر سیاسی است.





## ۴/۴. اهداف محوری بخش علم و فن‌آوری

در بخش علم و فن‌آوری، «هدایت نخبگان نظام برای حل چالش‌های شعار عدالت و ضرورت تولید تئوری و الگوهای تحقق چشم‌انداز» یکی از سیاست‌هاست که این سیاست از دو منظر قابل دقت است:

اول اینکه باید در سران سه قوه، مرجعیت و بزرگان حوزه این امید ایجاد شود که راه درگیری برای زندگی سالم در این دنیا ارائه شده است که این یک فضای نظری است. در قدم بعد، روش تحقق این مهم مطرح می‌شود که با مکانیزم سنتی در اقتصاد یا روش مکانیزه یا اتوماسیون در دانشگاه سنخیتی ندارد. همان‌طور که امام خمینی (ره) موضوع اصلی را نشانه گرفت و تمام مردم را برای آن بسیج نمود برای حل چالش‌های شعار عدالت و تولید تئوری و الگوهای تحقق سند چشم‌انداز نیز باید نخبگان کشور را بسیج کرد، زیرا این کار یک بحث علمی است و تنها نخبگان دارای توانائی لازم در این زمینه هستند. در این صورت به بنیاد نخبگان یا مدرسه‌ی تیزهوشان نیازی نیست، بلکه باید نخبگان را برای حل این چالش‌ها در مقطع پایان‌نامه درگیر کرده تا از این رهگذر برای آنها هویت ایجاد شود. اولین اثر این فعالیت جلوگیری از فرار مغزها است. این اولین سیاست ما در تحقق عزم ملی در راستای تحقق سند چشم‌انداز

است.

همچنین یارانه‌ها در بخش علمی، حول استراتژی جدید در «صنعت، تجارت و تولید» هدفمند می‌شود و سیاست اصلی در آموزش و پرورش نیز، «تبدیل هویت نظام آموزش و پرورش از مباحث نظری به حرفه و فن» می‌باشد زیرا هدف در تولید، صنعت ساده و بادوام است. در آموزش عالی نیز «تبدیل هویت نظام آموزش عالی، از مباحث تئوری به پیوند با بخش صنعت» دنبال می‌شود که این کار مشکل همیشگی ارتباط دانشگاه با صنعت را حل می‌کند.

## ۴/۵. اهداف محوری بخش فرهنگ

در بخش فرهنگی نیز الگوی خبرسازی، الگوی اطلاع رسانی و الگوی تحکیم انتظارات اجتماعی در بخش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تغییر می‌کند. خبرسازی باید از غوغا سالاری بر سر مسائل «سیاسی، علمی و ورزشی» خارج از مرزها که هم اکنون در حال اجراست، تبدیل به خبر سازی از مقاومت «سیاسی، فرهنگی و اقتصادی» ملت دلاور ایران شود. به عنوان مثال به جای پرداختن صرف به مقاومت مادران و همسران شهید، بررسی نقش هر یک از شهداء در ایجاد و استحکام ساختارهای انقلابی موضوع برنامه‌ها قرار می‌گیرد.

اگر مهم، تغییر الگوی اطلاع رسانی است، باید نظام شاخصه‌ها در همه بخش‌ها تغییر کند. در این صورت «اطلاع رسانی حول استانداردهای بین‌المللی به نظام شاخصه‌های جدید در رویکرد علمی نظام» تبدیل می‌شود و همچنین الگوی تحکیم انتظارات اجتماعی از مبنای رفاه به «توزیع رفاه بر مبنای عدالت محوری» - و نه تعمیم رفاه همه‌جانبه - تبدیل می‌شود و گزارش‌گیری‌ها بر این مبنای متحول می‌شود.

«تغییر الگوی هنر انگیزشی از طنز، هیجان، خشونت» در فرهنگ هالیوودی به «تولید، تلاش و کار، مسئولیت پذیری» در فرهنگ انقلاب و

«تغییر الگوی مبادلات و تعاملات فرهنگی بر اساس فرهنگ عدالت» (عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی و زندگی انقلابی) سیاست‌های دیگر این بخش هستند. در این صورت فیلم‌هایی که از خارج وارد می‌شود، حول محور طنز، هیجان و خشونت نخواهند بود و مبادلات فرهنگی پیرامون مقاومت انسان‌ها و اقوام مختلف شکل می‌گیرد.

سیاست دیگر این بخش، «نهادینه کردن ساخت کمی نهاد مسجد در نظام شهرسازی» است. یعنی همان‌طور که در هر محله برای خدمات شهری، جایگاه‌هایی پیش‌بینی و ساخته می‌شود، باید در هر محله مسجدی نیز ساخته شود.

## ۴/۶. اهداف محوری بخش اجتماعی

در بخش اجتماعی، یکی از سیاست‌ها «ریشه کن کردن قاچاق مواد مخدر از طریق نظامی و امنیتی در خارج از مرزها» است. یعنی باید تمام آزمایشگاه‌های تولید مواد مخدر در خارج از مرز (مانند افغانستان) شناسائی شده و با موشک مورد هدف قرار گیرد، حتی اگر این کار مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل نباشد.

سیاست بعدی «ایجاد بستر ساختار ازدواج موقت در ساختار تحمیلی از تمدن مدرنیته» است. در تحلیل این سیاست باید گفت ازدواج‌های موجود در ایران یا به صورت سنتی با فرهنگ دیکتاتوری است یا به صورت مدرنیته با فرهنگ مشارکت. در حالت دوم، هر چند ازدواج به صورت دائم است، اما در تحقق و عمل، ازدواج موقت صورت می‌گیرد. زیرا با شرط تحصیل دختران، تمکین ممکن نیست و با شرط شغل، اذن شوهر بی‌اثر می‌شود. پس عقد خواننده شده انتظارات ازدواج دائم را ایجاد می‌کند، ولی تحقق آن، «متعه» است و به همین دلیل بسیاری از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود. بنابراین تا هنگامی که برای همه دختران، تحصیل و شغل امضاء می‌شود، عملاً ساختار ازدواج، موقت خواهد بود. بر این اساس، دولت باید برای متعه نیز خدمات سیاسی، فکری و فرهنگی ارائه

دهد. یعنی باید با تولید شاخصه دائماً آن را کنترل کرده و آسیب‌های آن را مورد ملاحظه قرار داد، نه اینکه فقط برای آن مجوز حقوقی قائل شد که عملاً در ساختارهای سرمایه‌داری، به ماشین امضای فحشاء مبدل شود. اتفاقی که در مشارکت، مضاربه و مساقات در سیستم مصرف تمدن موجود افتاده و این احکام مبارک، ماشین امضای ربا شده‌اند، نباید در ازدواج موقت تکرار شود.

سیاست بعدی، «تغییر الگوی نظم اجتماعی بر اساس الگوهای رفتار و عدالت اقتصادی، ساختار جدید نظام آموزشی و ساختار اعتماد عمومی» است؛ یعنی پس از تعریف عدالت اقتصادی جدید و تحمیل ساختار جدید متناسب با آن به نظام آموزشی و برکناری بازار از محوریت اعتماد عمومی، باید الگوی نظم اجتماعی جدیدی طراحی شود.

## ۴/۷. اهداف محوری بخش سیاست

اما محور سیاست‌ها در بخش سیاسی، فرمایشات مقام معظم رهبری است. یعنی باید تدوین سیاست خارجی بر اساس مطالبات نظام جمهوری اسلامی از قوانین بین‌المللی در موضوع حقوق بشر، زنان، فاصله طبقاتی و... انجام شود و با دیپلماسی بسیار فعال، دنیا مجاب شود که قوانین بین‌المللی عملاً «لغو» هستند. به عبارت دیگر ما در زمینه حقوق بشر، حقوق زنان، فاصله طبقاتی و... از دنیا طلبکار هستیم.

«تغییر جهت بافت مهاجرت‌ها و جغرافیایی جمعیتی حول الگوی جدید تجارت، تولید، صنعت» دیگر سیاست این بخش است که به معنی آمایش سرزمین جدید است. در واقع در این سیاست، باید مهاجرت‌ها به طرف هویت انقلابی تغییر جهت دهد.





## ۴/۸. اهداف محوری بخش امنیتی و دفاعی

در بحث امنیتی و دفاعی نیز، استراتژی صنایع نظامی بر اساس رویکرد «الگوی جدید تجارت و تکنیک» خواهد بود و سازماندهی نهاد بسیج نیز پشتوانه همین نقشه قرار خواهد گرفت.

پایان